

قسمت ششم پادشاهان آریایی

سلسله پادشاهی صفاریان 868 - 903 میلادی دوران (36 سال)

صفاریان از سلسله پادشاهان آریایی نژاد اند که از 254 ه.ق. / 868 م. تا 293 ه.ق. / 903 میلادی در آریانای شرقی سلطنت کردند. مؤسس این سلسله یعقوب فرزند لیث است. چونکه بنیانگذار این دولت، یعقوب، با برادرانش (عمرو، علی، طاهر) به طبقات محترفه (پیشه ور) منسوب بود. عنوان صفار (رویگر = مسگر) که در حق وی و سلسله پادشاهان خاندان او معمول شد.

یعقوب لیث پس از آنکه جانشین « درهم فرزند نصر » شد، سیستان را در قبضه اقتدار خود در آورد و از آنجا قصد هرات کرد و آن شهر را بگشود، سپس بتدریج فارس، بلخ، تخارستان و خراسان را متصرف گردید.

افراد این سلسله از این قرار است :

- 1 - یعقوب فرزند لیث 254 ه.ق. / 868 میلادی (1)
- 2 - عمرو فرزند لیث 265 ه.ق. / 878 میلادی
- 3 - طاهر فرزند محمد فرزند عمرو 287 ه.ق. / 900 م. تا 290 ه.ق. / 903 میلادی

اول - پادشاهی یعقوب لیث صفاری



یعقوب پسر لیث صفاری فرزند معدل (254 ه.ق . / 868 میلادی - 265 ه.ق . / 878 میلادی) مردی بود از قریه قرنین در سیستان خراسان رویگری میکرد . چون جوان مرد بود و همراه برادرانش ، عمرو و علی در جوانی عیار پیشه شد . در اغتشاشات سیستان که منجر به برخورد عیاران شهر با خوارج ولایت گشت ، با غلبه بر رقیبان ، سیستان را تحت سلطه خویش در آورد (253 ه.ق .) . و از طرف مردم به امارت منصوب شد . و هرات ، کرمان ، فارس ، و کابل را مسخر ساخت . و برای نخستین بار بعد از اسلام و تسلط عرب بر آریانی بزرگ ، دولت مقتدر بر اساس استقلال ملی بنیان نهاد و دست خلیفه بغداد را از جنوب و شمال و مشرق آریانا کوتاه کرد .

یعقوب در اندیشه و عمل " برضد تسلط عرب در آریانا - خراسان بود و از دولت عباسی تنفر داشت . او همیشه از انعدام ابوسلمه همدانی وزیر سفاح ، ابومسلم خراسانی مؤسس دولت عباسی ، و انهدام خانواده های برمکی بلخی ، و سهل سرخسی بدست خلفای عباسی یاد می کرد و غدر عباسی را مثل میزد . " (2)

چون یعقوب که خود را فرمانروای واقعی خراسان و تمام قلمرو طاهریان می دانست بغرض از بین بردن خلافت عباسی ، با خلیفه از در تهدید در آمد . بعد از تسخیر مجدد فارس که تا آن زمان چند بار آنجا را به تصرف در آورده بود ، در سال 262 ه.ق . از طریق خوزستان عازم بغداد و جنگ با خلیفه شد ، خلیفه برای جلوگیری از ورود او به بغداد منشور حکومت خراسان و تبرستان و فارس را برای او فرستاد ولی او نپذیرفت . بین بغداد و مدائین جنگی میان سپاه او و لشکر خلیفه واقع شد که به شکست یعقوب منجر گردید ولی از پای ننشست و به تهیه سپاه پرداخت .

خلیفه که از جانب او بیمناک بود سفیری نزد او فرستاد . سفیر هنگامیکه به جند یشاپور رسید که یعقوب لیث به مرض قولنج دچار شد و حال و وضع صحت او رو به وخامت میرفت و با خواندن نامه خلیفه و وعده هایش به نمایندگی خلیفه گفت : " بخلیفه بگو که من رویگر زاده ام و از پدر رویگری آموخته ام . این دستگاه که می بینی از عیاری و شیر مردی بدست

آمده نه از میراث پدر . از پای ننشینم تا بر تو پیروز شوم والا مرا این نان جو و پیاز (اشاره به طبقی که قبلاً حاضر شده بود) کافی است . "

یعقوب به همان مرض قولنج در خوزستان در گذشت (265 هـ . ق .) پایتخت و مرکز فرماندهی یعقوب ، شهر « زرنج » (3) در سیستان بود .

یعقوب از میان مردم برخاسته بود و در گفتار و کردار نیتش پاک بود رغبت همدردی و غمخواری به تھی دستان داشت . زندگی اش بدون تجمل - ساده و سپاهیانه بود . در امورات رهبری کشور مرد بااراده جازم و قاطع بود و پیوسته به اراده مردم تکیه می نمود و از اینرو اصناف مختلفه مردم به او وبه روش انسانگرایانه او اعتماد میکردند . یعقوب در هنگام حکمروایی اش ساختار حاکمیت و قدرت دولتی را متمرکز ساخت . و دشمنان مردم و فرهنگ این سرزمین را یکی پی دیگری منهدم کرد . و قسمت بزرگی از آریانا را وحدت سیاسی بخشید . زبان عرب را فرو گذاشت و زبان فارسی را منحیث زبان رسمی و تفاهم ملی ، زبان فرهنگ ، اقتصاد و سیاست قرار داد .

دوم - پادشاهی عمرولیث صفاری

عمرو فرزند لیث ، دومین پادشاه صفاری (265 هـ . ق . / 878 میلادی تا 287 هـ . ق . / 900 میلادی . وی برادر یعقوب لیث بود و پس از او بوصایت وی به پادشاهی رسید. (4) وی بلافاصله به مصلحت وقت نسبت به خلیفه مدارا نمود . معتمد خلیفه عباسی ، منشور آریانا و هند بنام او فرستاد و عنوان شحنه گی (5) بغداد و ولایت حرمین به او بخشید . در عوض عمرولیث قبول کرد که سالانه بیست میلیون درهم به خزانه خلیفه حق المقاطعه بپردازد . عمرولیث از سالهای 879 تا 884 میلادی مخالفین خود : احمد خجستانی بادغیسی ، رافع فرزند هرثمه و ابو طلحه را در داخل کشور مغلوب نمود و فرستادن بیست میلیون درهم را به خزانه خلیفه بغداد معطل کرد .

« موفق » ولیعهد خلیفه عباسی برنجید و امر کرد در منابر عمرو لیث را لعن کنند ، (6) او قشونی بر آریانا سوق کرد که سپاه عمرو را مغلوب و کشور فارس را ضبط نمودند . عمرو در سال 887 میلادی به حمله متقابل علیه سپاه خلیفه پرداخت ولی نتیجه مطلوب نگرفت .

بغداد در این وقت با مخالفت امارت تولویی مصر گرفتار بود . لهذا با دولت صفاری آشتی نمود و حق المقاطعه قدیم را از بیست میلیون به ده میلیون درهم تقلیل داد . ولی همین که بغداد از طرف مصر آرام شد و تولویی مغلوب گردید ، مجدداً در 889 میلادی به آریانا عسکر سوق نمود . پادشاه صفاری سپاه عرب را در نزدیکی استخر(7) درهم شکست و از آن پس از شر بغداد خلاص شد .

عاقبت در سال 287 هـ . ق . برابر 900 میلادی در جنگی که میان او و اسماعیل سامانی درحوالی بلخ واقع شد ، عمرو مغلوب شد و اسیر گشت . او را به بغداد فرستادند و دو سال بعد وی را بامر خلیفه کشتند . (8)

عمرو یکی از پادشاهان باسیاست و خردمند و باهوش بود و در نظم و ترتیب سپاهیان جهدی وافر میکرد و در مملکت داری مراسم نیکو نهاد .

سوم - پادشاهی طاهر صفاری

طاهر فرزند محمد فرزند عمرو 287 ه.ق. / 900 م. تا 290 ه.ق. / 903 میلادی بعد از پدر بر تخت سلطنت صفاریان نشست .

بعد از اسیر شدن عمرو لیث صفاری ، طاهر فرزند محمد و برادرش با سرهنگان و سپاه خود به خراسان آمدند و عمال خراسان همه جمع شدند و بهرات رفتند و از آنجا به سیستان شدند . سپاهیان عمرو لیث با طاهر صفاری بیعت کردند و احمد فرزند شهفور را وزارت داد و چندی سلطنت کرد .

سرانجام اسماعیل سامانی بر او غلبه نمود و بر اثر آن پادشاهی سی و شش ساله صفاریان آریایی سقوط کرد و جای خود را به سلسله شاهنشاهی سامانیان (دودمان دیگری از نژاد آریایی) خالی نمود . (9)

هر چند بعد از سامانیان هم سیستان چندی به قلمرو غزنویان الحاق یافت ، باز محبوبیت و نفوذ خاندان صفاری که بر خاطره فرمانروایی یعقوب مبتنی بود همچنان، ادامه داشت، حتا این محبوبیت قرن‌ها بعد (885 ه.ق.) سیستان را نسبت به فرمانروایی محلی شاهان این خاندان علاقه مند نشان داد. در هنگامی که قرن‌ها از انقراض طاهریان و صفاریان ، سامانیان و غزنویان و حتا خلفای عباسی می گذشت، اخلاف لیث و فرزندان او در سیستان همچنان چیزی از حیثیت و قدرت و فرمانروایی اجداد خود را حفظ کرده بودند .

نقش صفاریان قدیم به خصوص یعقوب ، در احیای فرهنگ زبان فارسی قابل ملاحظه بود. بر وفق روایت « تاریخ سیستان » اولین شعر رسمی که به زبان فارسی گفته شد به تشویق و الزام یعقوب و به وسیله دبیر او محمد فرزند وصیف سکزی بوده است .

صفاریان به روابط بازرگانی با هنر و نیز عمارت شهرها توجه داشتند و مساجد ، بناها و ربات ها و منزلگاه ها و راه‌های زیادی ساختند. مسجد جامع عتیق شیراز از یادگارهای عمرو لیث است.

صفاریان به ویژه یعقوب به زبان فارسی و فرهنگ باستانی آریانیان توجه زیادی کردند این دوره سرآغازی برای رشد زبان فارسی بود.

ناگفته نباید گذاشت که شاهان سلسله طاهریان در فرآیند حکمروایی خویش زمینه های مادی و معنوی خوبی را برای رشد و اعتلاء زبان فارسی و فرهنگ باستانی آریانیان مساعد ساختند ، و جلوی یکتازی زبان عربی را در سرزمین آریانا - خراسان گرفتند .

یعقوب لیث صفاری در اتکاء به این پایه بعد از « سلسله طاهریان » نخستین کسی بود که زبان فارسی را دو صد سال پس از ورود عرب به آریانا ، بار دیگر به عنوان زبان رسمی آریانا اعلام کرد و پس از آن دیگر کسی حق نداشت در دربار او به زبانی غیر از فارسی سخن بگوید. خوشبختانه که این راهبرد تا امروز در سرزمین آریانا - خراسان با قوت هرچه بیشتر ادامه دارد و ادامه خواهد داشت .

نویسنده « تاریخ سیستان » چنین روایت کرده است :

پس از یعقوب لیث صفاری هم سامانیان و هم آل بویه (10) زبان فارسی را گسترش دادند و از نابودی آن جلوگیری کردند، دولت سامانی در رشد و تکامل زبان فارسی عمل عاقلانه و کار

جاویدانه کرد . و دولت غزنوی ترک تبار ، فارسی را در هندوستان رایج کرد. زبان فارسی در دربار مغولی هند (11) ، زبان رسمی بود. رواج فارسی در هند سبب شد زبانی به وجود آید به نام « اردو » (12) که زبان رسمی دولت پاکستان شد و به الفبایی که از الفبای فارسی گرفته شده، نوشته می‌شود. زبانی که در هند، آن را هندوستانی می‌نامند و به الفبایی که از الفبای سنسکریت گرفته شده، نوشته می‌شود، با اردو یک منشأ دارد. سلجوقیان (13) زبان فارسی را در آسیای کوچک رایج کردند. در دولت عثمانی (14) زبان فارسی رایج بود. برخی از سلاطین عثمانی چون محمد فاتح و سلیم اول به فارسی شعر سروده‌اند. اما تسلط استعمار بر کشورهای شرق سبب شد که از رواج فارسی آهسته آهسته کاسته شود.

منابع و مأخذ :

- 1 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، ج 5 ، ص 1002 .
- 2 - افغانستان در مسیر تاریخ ، غلام محمد غبار ، جلد اول ، تاریخ انتشار سال 1368 ، ص 92 .
- 3 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، ج 6 ، ص 2336 .
- تاریخ کامل ایران ، رازی ، عبدالله ، تهران ، اقبال ، ص 170 و 171 .
- 4 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، ج 5 ، ص 1212 .
- 5 - مردی که او را پادشاه برای ضبط کارها و سیاست مردم در شهر نصب کند. بعرف آن را کوتوال و حاکم گویند .
- گزیده تاریخ ایران ، شعبانی ، رضا ، تهران ، هدی ، 1381 ، چاپ اول .
- 6 - افغانستان در مسیر تاریخ ، غلام محمد غبار ، جلد اول ، تاریخ انتشار سال 1368 ، ص 93-94 .
- تاریخ دولت صفاریان ، یغمایی ، حسن ، تهران ، دنیای کتاب ، ص 225 تا 243
- تاریخ سیستان ، مؤلف : باسورث ، ادموند کلیفورد ، از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان ، ترجمه : حسن انوشه ، چاپ دوم ، تهران : مؤسسه انتشارات امیرکبیر ، 1377 خورشیدی ، ص 253 .
- 7 - استخر : نام یکی از نه دروازه شهر شیراز بود. (از نزهةالقلوب مقاله 3 ، ص 114).
- 8 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، ج 5 ، ص 1213 .
- ترکمنی آنر ، پروین ، تاریخ تحولات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان ، تهران .

9 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، ج 5 ، ص 1071
- تاریخ سیستان ، مؤلف : باسورث ، ادموند کلیفورد ، از آمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان، ترجمه : حسن انوشه ، چاپ دوم ، تهران : مؤسسه انتشارات امیرکبیر، 1377 خورشیدی، صص 227 تا 258 .

- جهت معلومات بیشتر رجوع شود به کتاب :
تاریخ سیستان ، به تصحیح : محمد تقی ملک الشعرا بهار، 445 هـ . ق . ، صص : 193 - 194 ، 200-197 ، 202 - 203 ، 204 - 206 و 207 ، 208 - 214 و 215 ، 216 - 233 ، 234 - 238 ، 240 - 262 ، 263 - 268 ، 272 - 294 .

10 - آل بویه یا بوییان، (320 - 447 ق. / 932 ق. / 1055 میلادی) از دودمان‌های دیلمیان و پس از اسلام است که در بخش مرکزی و غربی و جنوبی آریانا و عراق فرمانروایی می‌کردند.

بوییان دارای تباری دیلمی بودند و به زبانی فارسی صحبت می‌کردند. سرزمین بوییان دیلمستان بود. این واژه به تمام مازندران و گیلان و سرزمین کوهستانی البرز در جنوب گیلان و مازندران اطلاق می‌شده است.

رجوع شود به :

- دیلمیان در گستره تاریخ ایران ، نویسنده : دکتر پروین ترکمنی آذر
- احیای فرهنگ در عصر بویه ، نویسنده : جونل کرمر ، مترجم محمد سعید حنایی
- تاریخ گزیده ، نویسنده : حمد الله مستوفی

11 - گورکانیان هند که امپراتوری مغولی هند یا امپراتوری بابری هم نامیده می‌شوند و خود خویش را تیموری می‌نامیدند، امپراتوری بزرگی است که به‌دست نوادگان امیر تیمور در هندوستان ایجاد شد. این سلسله از 1526 - 1857 میلادی در بخش بزرگی از شبه قاره هند شامل کشورهای امروزی هند، پاکستان، بنگلادش و بخش هایی از افغانستان امروزی فرمانروایی کرد.

12 - زبان اردو زبان ملی کشور پاکستان و یکی از 22 زبان ملی در هندوستان است. از نظر تعداد گویش‌ور اردو بیستمین زبان جهان است .

این زبان یک زبان چند رگه بشمار می‌رود که واژه‌های آن از زبان‌های فارسی، هندی، عربی و ترکی گرفته شده است اما دستور زبان آن بیشتر بر پایه دستور زبان هندی و فارسی است.

تا پیش از دوران تیموریان زبان فارسی در شبه قاره هند، به عنوان زبان داد و ستد فراگیر شده بود . پس از آنکه نوادگان تیمور لنگ ، امپراتوری مغولی هند یا گورکانیان هند را ایجاد کردند زبان فارسی زبان رسمی این امپراتوری بزرگ شد. در سده‌های 10 و 11 میلادی، سربازان زیادی به ناحیه سند آمدند که به زبان‌های فارسی، ترکی ، عربی و ... سخن می‌گفتند. در طول سالیان دراز از آمیزش این زبان‌ها با هم و با زبان محلی مردم ، زبان اردو فراگیر شد. اردو یک واژه ترکی به معنی لشکر است و بیانگر زبانی است که در میان سربازان رایج شد.

13 - سلجوقیان یا سلاجقه، یا آل سلجوق، نام دودمانی است که در قرن‌های پنجم و ششم هجری قمری (یازدهم و دوازدهم میلادی) بر بخش‌های بزرگی از آسیای غربی، شامل ایران کنونی، فرمانروایی داشتند. سلجوقیان در اصل غزهای ترکمان بودند که در دوران سامانی در اطراف دریاچه خوارزم (آرال)، سیردریا و آمودریا می‌زیستند.

سلجوقیان که به اسلام رو آورده بودند، بعد از ریاست سلجوق فرزند دقاق، نام سلاجقه را به خود گرفتند و به سامانیان در مبارزه با دشمنانشان بسیار کمک کردند. پسر سلجوق بنام میکاییل که بعد از مرگ او ریاست این طایفه را بعهدہ داشت، چندین حکم جهاد برای مبارزه با (به قول مورخین) کفار صادر کرد.

14 - امپراتوری عثمانی که از 1299 تا 1922 میلادی در منطقه مدیترانه حکومت می‌کرد. این امپراتوری در اوج قدرت خود (قرن 16 میلادی) مناطق آسیای صغیر، اکثر خاورمیانه، قسمت‌هایی از شمال آفریقا، قسمت جنوب شرقی اروپا تا قفقاز را شامل می‌شد. عثمانیان شاخه‌ای از ترکهای اوغوز بودند که در اواخر امپراتوری سلجوقیان از ترکستان به آسیای صغیر کوچ کردند. در آن زمان سلجوقیان روم که قسمتی از سلسله دولتهای سلجوقی بودند در این سرزمین فرمان می‌راندند. ترکان عثمانی اندک اندک در نواحی غرب آناتولی به یک قدرت منطقه‌ای و متحد سلاجقه تبدیل شدند و بعداً جانشین سلجوقیان گشتند. ایشان نام خود را از عثمان که رهبر ایل ایشان بود گرفته بودند.